Original Article Open Access

The Iranian Association of Medical Law

Medical Law Journal

2026; 20: e17

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

Institute of Bioethics and Health Law

Assessing the Feasibility of Criminalizing Abortion in Cases of Pregnancy Resulting from Rape under Iranian Law, Islamic Schools of Jurisprudence, and International Human Rights Law

Abbas Ali Tarahomian[1], Maryam Aqaei Bajestani[1*], Mohammad Rohani Moghaddam[1]

1. Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Se.C., Islamic Azad University, Semnan, Iran.

ABSTRACT

Background and Aim: Abortion in cases of pregnancy resulting from rape is one of the complex issues in domestic and international law. Accordingly, this study aims to examine this issue within the frameworks of Iranian law, Islamic jurisprudential principles, and the international human rights system.

Method: This is a theoretical study employing a descriptive-analytical research method.

Ethical Considerations: Honesty and academic integrity have been observed throughout all stages of preparing this research.

Results: Under Iranian law, abortion is generally criminalized, and stringent legal provisions govern this matter. Nevertheless, the specific circumstances of pregnancy resulting from rape pose a significant challenge to the interpretation and implementation of these provisions. International human rights frameworks, on the other hand, emphasize women's rights, their right to make autonomous decisions, and the protection of their dignity, and have raised the question of recognizing access to abortion in cases of rape.

Conclusion: Given its strong reliance on Islamic jurisprudential foundations, Iranian law has limited scope for recognizing exceptions in this area. Nevertheless, consideration of the human and psychological dimensions of the experiences of rape survivors underscores the need to establish a legal and jurisprudential framework that provides them with better protection. Addressing this issue requires not only a reassessment and more precise interpretation of jurisprudential principles in light of contemporary circumstances, but also the development of coherent and balanced legal policies that safeguard both the dignity and rights of women who have survived rape and the sanctity and right to life of the fetus.

Keywords: Abortion; Rape; Human Dignity; Islamic Jurisprudence; The Five Islamic Schools of Jurisprudence

Corresponding Author: Maryam Aqaei Bajestani; **Email:** maqaib@iau.ac.ir

Received: May 20, 2025; **Accepted:** September 13, 2025; **Published Online:** October 27, 2026

Please cite this article as:

Tarahomian AA, Aqaei Bajestani M, Rohani Moghaddam M. Assessing the Feasibility of Criminalizing Abortion in Cases of Pregnancy Resulting from Rape under Iranian Law, Islamic Schools of Jurisprudence, and International Human Rights Law. Medical Law Journal. 2026; 20: e17.

Copyright©2026, the Authors. This open-access article is published under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format for any purpose, even commercially) and Adapt (remix, transform and build upon the material for any purpose, even commercially) under CC BY 4.0 terms.

دسترسی آزاد | مقاله پژوهشی

مجله حقوق پزشکی

دوره بیستم، ۱۴۰۵

Journal Homepage: http://ijmedicallaw.ir

امکان‌سنجی جرم‌انگاری سقط جنین در موارد بارداری ناشی از تجاوز به عنف در حقوق ایران، فقه مذاهب اسلامی و حقوق بشر بین‌المللی

عباسعلی ترحمیان[۱]، مریم آقایی بجستانی[۱*]، محمد روحانی مقدم[۱]

۱. گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: موضوع سقط جنین ناشی از بارداری در پی تجاوز به عنف یکی از مسائل پیچیده در حقوق داخلی و بین‌المللی است. در همین راستا هدف از پژوهش حاضر، تبیین این مسأله در چارچوب حقوق ایران، مبانی فقهی و نظام حقوق بشر بین‌المللی می‌باشد.

روش: این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی ـ تحلیلی می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها: در حقوق ایران، سقط جنین به طور کلی از نظر حقوقی جرم‌انگاری شده و مقررات سخت‌گیرانه‌ای در این زمینه وجود دارد. با این حال، شرایط خاص بارداری ناشی از تجاوز به عنف، چالشی جدی در تفسیر و اجرای این مقررات ایجاد کرده است. از سوی دیگر، نظام‌های حقوق بشر بین‌المللی با تأکید بر حقوق زنان، حق تصمیم‌گیری آزادانه و حفظ کرامت آنان، در موارد تجاوز به عنف به رسمیت‌شناختن امکان سقط جنین را مطرح می‌کنند.

نتیجه‌گیری: در حقوق ایران، به دلیل اتکای قوی به مبانی فقهی، ظرفیت محدودی برای پذیرش استثنائات در این حوزه دارد. با این حال، توجه به ابعاد انسانی و روانی قربانیان تجاوز، ضرورت ایجاد فضای قانونی و فقهی برای حمایت بهتر از آنان را ایجاب می‌کند. این موضوع نه‌تنها مستلزم بازنگری و تبیین دقیق‌تر قواعد فقهی در راستای شرایط معاصر است، بلکه نیازمند تدوین سیاست‌های حقوقی منسجم و متوازن است که هم کرامت و حقوق زنان قربانی را پاس دارد و هم حرمت و حق حیات جنین را رعایت کند.

واژگان کلیدی: سقط جنین؛ تجاوز به عنف؛ کرامت انسان؛ فقه اسلامی؛ مذاهب خمسه

نویسنده مسئول: مریم آقایی بجستانی؛ **پست الکترونیک:** maqaib@iau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۳۰؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۴/۰۶/۲۲؛ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۸/۰۵

خواهشمند است این مقاله به روش زیر مورد استناد قرار گیرد:

Tarahomian AA, Aqaei Bajestani M, Rohani Moghaddam M. Assessing the Feasibility of Criminalizing Abortion in Cases of Pregnancy Resulting from Rape under Iranian Law, Islamic Schools of Jurisprudence, and International Human Rights Law. Medical Law Journal. 2026; 20: e17.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

مقدمه

موضوع سقط جنین در موارد بارداری ناشی از تجاوز به عنف، یکی از چالش‌های مهم و پیچیده در حوزه حقوق کیفری، فقه اسلامی و حقوق بشر بین‌الملل به شمار می‌رود. این مسأله از یک‌سو با حق حیات جنین و قواعد فقهی مرتبط با آن پیوند دارد و از سوی دیگر با حقوق و کرامت زن قربانی تجاوز و حق تصمیم‌گیری او نسبت به بدن خود گره خورده است. در نظام حقوقی ایران که متأثر از فقه امامیه است، قاعده کلی حرمت سقط جنین به ویژه پس از پایان دوره «نفخ روح» مورد تأکید قرار گرفته است (۱)، اما تداخل این قاعده با حقوق انسانی زنانی که به‌ناحق در معرض تجاوز قرار گرفته‌اند، موضوعی است که ابعاد مختلف فقهی و حقوقی آن همچنان محل بحث است.

از منظر حقوق کیفری ایران، سقط جنین عمدی جرم محسوب می‌شود و صرف نظر از شرایط بارداری، مجازات‌های مشخصی برای آن پیش‌بینی شده است (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ ذیل ماده ۶۲۳). با این حال، پرسش اصلی این است که آیا در صورت بارداری ناشی از تجاوز به عنف، امکان توجیه قانونی یا فقهی برای جرم‌انگاری یا مجازات سقط جنین وجود دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر، آیا نظام حقوقی ایران قابلیت یا ظرفیت صدور مجوز استثنایی برای سقط جنین در این شرایط خاص را دارد؟ پاسخ به این سؤال نیازمند توجه هم‌زمان به مبانی فقهی، قواعد کیفری و همچنین موازین حقوق بشر است. در عرصه بین‌المللی، اسناد و معاهدات حقوق بشری همچون کنوانسیون رفع همه‌جانبه تبعیض علیه زنان و گزارش‌های کمیته حقوق بشر سازمان ملل، بر حق زنان برای سلامت جسمانی و روانی و حق تصمیم‌گیری آزادانه درباره باروری تأکید می‌کنند (۲). این مقررات بر لزوم حمایت از حقوق قربانیان تجاوز و ایجاد امکان دسترسی به خدمات درمانی، از جمله سقط جنین در شرایط خاص تأکید دارند (۳)، اما این چارچوب‌ها گاه با محدودیت‌های فقهی و حقوقی برخی نظام‌های داخلی، از جمله نظام حقوقی مبتنی بر فقه امامیه، در تعارض قرار می‌گیرند.

در این میان، ضرورت بررسی امکان‌سنجی جرم‌انگاری سقط جنین در موارد بارداری ناشی از تجاوز، از اهمیت فراوانی برخوردار است. این بررسی نه‌تنها باید به تحلیل دقیق مبانی فقهی و اصول حیات در اسلام بپردازد، بلکه باید با رویکردی تطبیقی، مقتضیات حقوق بشر بین‌الملل و استانداردهای جهانی را نیز مد نظر قرار دهد تا راهکارهای متناسب با شرایط ایران پیشنهاد شود (۴). از طرف دیگر، توجه به تأثیرات اجتماعی، روانی و جسمانی تجاوز بر زنان و بازشناسی حقوق آن‌ها، محور اساسی در این تحلیل است. بنابراین تبیین پرسش اصلی این تحقیق، یعنی «وضعیت حقوقی و فقهی سقط جنین ناشی از تجاوز در نظام حقوقی ایران و نظام حقوق بشر بین‌المللی چگونه است و آیا جواز یا قابلیت صدور اجازه برای چنین سقطی وجود دارد؟»، گامی ضروری و بنیادی در مسیر تدوین سیاست‌های حقوقی و حمایت‌های قضایی و اجتماعی مرتبط با این موضوع محسوب می‌شود. پرداختن به این مسأله با رویکردی علمی و همه‌جانبه، می‌تواند به رفع تناقض‌ها و ابهامات حقوقی کمک کرده و موجب ارتقای سطح حمایت از حقوق زنان در مواجهه با خشونت‌های جنسی شود.

روش

این تحقیق از نوع نظری بوده و روش آن به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد؛ همچنین روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی

در پژوهش حاضر جنبه‌های اخلاقی مطالعه کتابخانه‌ای شامل اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

یافته‌ها

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد در حقوق ایران، سقط جنین به طور کلی از نظر حقوقی جرم‌انگاری شده و مقررات سخت‌گیرانه‌ای در این زمینه وجود دارد. با این حال، شرایط

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

خاص بارداری ناشی از تجاوز به عنف، چالشی جدی در تفسیر و اجرای این مقررات ایجاد کرده است. از سوی دیگر، نظام‌های حقوق بشر بین‌المللی با تأکید بر حقوق زنان، حق تصمیم‌گیری آزادانه و حفظ کرامت آنان، در موارد تجاوز به عنف به رسمیت‌شناختن امکان سقط جنین را مطرح می‌کنند.

بحث

از آنجا آسیب‌های ناشی از تجاوز به عنف، مبنای قانون‌گذاری و چالش‌های حقوقی مسأله می‌باشد، در این قسمت ابتدا به تبیین آسیب‌های ناشی از تجاوز به عنف با در نظرگرفتن «احتمال حمل ناشی از آن» پرداخته خواهد شد.

۱. آسیب‌شناسی ناشی از تجاوز به عنف: در این قسمت به تفکیک، آسیب‌های ناشی از تجاوز به عنف مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۱-۱. وضعیت فردی قربانی: وضعیت فردی قربانی، در دو حوزه مد نظر قرار می‌گیرد: اول، وضعیت فیزیکی و جسمانی؛ دوم، وضعیت روانی و عاطفی. برخی از آثار متداولِ سوءجسمی ناشی از تجاوز: مقاربت جنسی دردناک (دیسپارونی)؛ انقباض غیر ارادی واژن (وضعیتی که بر توانایی زنان برای نفوذ و رتبطه جنسی تأثیرگذار است)؛ ایدز؛ شکستگی‌ها و کبودی‌ها؛ بارداری ناشی از تجاوز (۵). برخی از آثار روانی مؤثر بر قربانیان تجاوز: اضطراب، به گفته دین جی، کیلپاتریک (Dij J Kilpatrick)، روان‌شناس برجسته، این افراد سطوح بالایی از اضطراب و اضطراب وابسته با فوبیا را تجربه می‌کنند که شامل موارد زیر است، هرچند محدود به این موارد نیست (۶): احساس عصبی‌بودن؛ احساس ترس؛ احساس خشم؛ احساس تنش یا ناراحتی؛ داشتن پاسخ غیر منطقی به محرک‌های خاص؛ داشتن حملات پانیک؛ داشتن پاسخ اجتناب یا فرار؛ افسردگی و سرزنش خود (سرزنشِ خود، یکی از رایج‌ترین مشکلات و چالش‌هاییست که قربانیان تجاوز با آن مواجه می‌شوند)؛ اختلال هویت تجزیه‌ای (این اختلال، یک بیماری روانی جدی است و به طور فزاینده‌ای به عنوان یک آسیب‌شناسی روانی پیچیده و مزمنِ پس از سانحه محسوب می‌شود. این اختلال قبلا با عنوان اختلال شخصیت چندگانه شناخته می‌شد و دارای علائمی، مانند اختلال در حافظه، هویت و ادراک و آگاهی، توهمات شنوایی و شنیدن صداهایی عجیب، میل زیاد به خودکشی، دیدن اشیای متحرک و محرک‌سازی، سوءمصرف مواد مخدر) (۷).

۱-۲. وضعیت خانوادگی و اجتماعی قربانی: در جوامعی با ساختار پدرسالارانه، که اهمیت ویژه‌ای برای پاک‌دامنی و عفت زنان و دختران قائلند، اغلب به جای حمایت و هم‌دردی با قربانی متجاوز، او را شماتت و سرزنش می‌کنند و علاوه بر اینکه قربانی باید پس‌لرزه‌های آن عمل ناشایست را تحمل کند، با او همانند متهم رفتار می‌شود. بعضی از خانواده‌ها، قربانی را دلیل اصلی دست‌درازی متجاوز می‌دانند و وی را از حضور در اجتماع منع کرده گاهاً زندانی می‌کنند. همچنین در مواردی دیده شده به دلیل تعصب بیش از حد و شرایط خاص خانوادگی، قربانی تجاوز را به قتل رسانده‌اند. در این نوع از قتل که به اصطلاح، قتل ناموسی خوانده می‌شود، اعضای خانواده یا بستگان نزدیک قربانی تجاوز، به بهانه حفظ شرافت و آبروی خانواده، اقدام به قتل فرد می‌کنند. این عمل که در برخی فرهنگ‌ها به عنوان یک وظیفه تلقی می‌شود، اغلب با استناد به باورهای غلط فرهنگی و سنتی توجیه می‌گردد (۴). قربانیان تجاوز، در اجتماع نیز دچار مشکلات جدی شده و با اینکه جرمی انجام نداده‌اند که به خاطرش مجازات شوند، در مراجع قضایی مورد بازجویی قرار گرفته و حریم شخصی خود را از دست می دهند. سؤال و جواب‌های شخصی بار روانی تجاوز را سنگین‌تر می‌کند و گاهی فضای مجازی نیز گریبانگیرشان می‌شود (۶).

۱-۳. وضعیت قربانی در مواجهه با جنین ناشی از تجاوز: زندگی قربانیِ تجاوز، به دو بخش کاملاً مجزای قبل از آن اتفاق و بعد آن تقسیم می‌شود. تجاوز به عنف، آنی رخ می‌دهد، اما آثار این رفتار مجرمانه، در هر لحظه از حیات فرد، نمایان می‌شود؛ به تعبیری، خسارات عاطفی و معنوی، خصلتی دائم و ممتد دارند. لازم به ذکر است که در فضای جرم‌شناسی و کیفرشناسی، بعضی از آسیب‌های عاطفی، به مرور زمان

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

بیشتر می‌شوند به جای اینکه کاهش یابند. برخلاف خسارت‌های مادی که ولو ممتد باشد، به مرور زمان کم‌رنگ‌تر می‌شوند. با در نظرگرفتن دید مادرمحور، توجه معطوف به تنفر و انزجار شدید مادر نسبت به جنین ناشی از تجاوز می‌شود و نگهداری از جنین ناشی از تجاوز، در هر حالت و شرایطی، اعم از مجرد یا متأهل‌بودن فرد، غیر ممکن به نظر می‌رسد؛ از طرفی با نگاهی جنین محور، با طفلی بی‌گناه مواجه می‌شویم که در نگاهی منصفانه، حق دارد مانند هر طفل دیگری از حق حیات و زندگی متعارف برخوردار باشد (۸).

۲. رویکرد حقوق ایران به مسأله سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف: در این قسمت به تبیین وضعیت سقط جنین ناشی از تجاوز در چارچوب حقوق ایران پرداخته خواهد شد.

۲-۱. مفهوم سقط جنین: در اصطلاح پزشکی، سقط جنین را به بیرون‌آوردن بافت جنین از رحم، هنگامی که آن موجود تکوین‌یافته قادر به زندگی در خارج از رحم نباشد، گفته می‌شود. اصطلاح سقط جنین جهت توصیف هر نوع ختم حاملگی در سه ماهه اول بارداری استفاده می شود و به معنای پایانِ هر کدام از مراحلِ بارداریست که زندگی جنین در جریان است؛ این اصطلاح در حقوق جزا نیز به کار رفته است و به معنای حمل، در یکی از مراحل حیات قابل زیستن یا حیات جنینی است یا اخراج عمدی جنین از رحم مادر. طبق ضوابط علوم پزشکی، حیات جنینی از تاریخ انعقاد نطفه آغاز می شود و تا قبل از دمیده‌شدن روح و تکامل فیزیکی پایان می‌یابد؛ به شروع علائم حلول روح در جنین، مانند شنیده‌شدن صدای قلب جنین که از حدود چهار ماه بعد از شروع حاملگی آغاز و تا تا زمان وضع حمل ادامه دارد و عواملی مانند حرکت‌کردن جنین، حیات زیستی می‌گویند (۹). سقط جنین در حقوق ایران، اصولاً امری ممنوعه است، هرچند، گاهی بنا بر شرایطی عمل سقط جنین مانعی ندارد و حتی ممکن است لازم هم بشود. به گزارش سازمان بهداشت جهانی که در اوت سال ۲۰۰۹ منتشر شده است، بارداری‌های ناخواسته از مهم‌ترین چالش‌های مادران در کشورهای جهان است. همچنین به دلیل استفاده از روش‌های نامناسب و نامطمئن در سقط جنین سالانه حدود هشتاد هزار نفر از مادران در جهان، جان خود را از دست می‌دهند و افراد زیادی به همین خاطر دچار بیماری‌های پایدار و نقص جسمانی می‌شوند (۱۰).

۲-۲. نگاهی به قوانین ایران: در ارتباط با متغیرهای پژوهش حاضر، یعنی زنای به عنف و سقط جنین، مقررات معدود و از جنس حقوق کیفری وجود دارد. مواد شماره ۲۲۱ تا ۲۳۲ قانون مجازات اسلامی به زنای به عنف پرداخته است. ماده ۲۲۱ ق.م در رابطه با تعریف زنای به عنف، مقرر می‌دارد: «زنا عبارت است از جماع مرد و زنی که علقه زوجیت بین آن‌ها نبوده و از موارد وطی به شبهه نیز نباشد.» در همین راستا، بند «ت» ماده ۲۲۴ ق.م مقرر می‌دارد: «زنای به عنف یا اکراه از سوی زانی، موجب اعدام زانی است.» در این مقررات هیچ‌گونه سخنی از «حمل احتمالی ناشی از تجاوز» و «وضعیت آن» به میان نیامده است (۱۱)، اما در ارتباط با سقط جنین، مسأله سقط جنین ناشی از تجاوز جنسی یکی از چالش‌برانگیزترین موضوعات در نظام حقوقی ایران به شمار می‌رود. این موضوع از آن جهت اهمیت دارد که میان دو حوزه حساس، یعنی حمایت از حیات جنین و حمایت از قربانی خشونت جنسی، تعارض و تزاحم پدید می‌آورد. با توجه به مبانی فقهی و قانونی حاکم بر حقوق ایران، بررسی وضعیت حقوقی این مسأله مستلزم تحلیل دقیق قوانین، مقررات و رویه‌های اجرایی است.

در حقوق کیفری ایران، اصل بر حرمت سقط جنین است. ماده ۶۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (بخش تعزیرات) مقرر می‌دارد که «هر کس به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله، موجب سقط جنین شود، در صورتی که فعل او مشمول قصاص نباشد، به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد و دیه جنین نیز جداگانه باید پرداخت شود.» ماده ۶۲۳ نیز هرگونه اقدام عامدانه در جهت سقط جنین را جرم‌انگاری کرده است. همچنین ماده ۶۲۴، پزشک یا ماما یا داروفروش یا هر شخصی که وسایل سقط را فراهم یا انجام دهد، با مجازات قانونی مواجه می‌سازد (۱۲).

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

با وجود این ممنوعیت کلی، قانون‌گذار در «ماده واحده سقط درمانی» مصوب ۱۳۸۴ استثنایی بر این اصل قائل شده بود. این قانون، به زنی که به دلایل پزشکی بارداری‌اش تهدیدی برای جان مادر باشد یا جنین دچار نقایص شدید و غیر قابل درمان باشد، اجازه سقط جنین را تا پیش از چهار ماهگی (مرحله ولوج روح) می‌دهد. به استناد ماده واحده این قانون، صدور مجوز سقط، منوط به تأیید نقص یا بیماری از سوی سه پزشک متخصص، تأیید نهایی سازمان پزشکی قانونی کشور و رضایت زن باردار است، اگرچه این ماده واحده با ماده ۵۶ قانون جوانی جمعیت منسوخ شده است، اما همچنان مجوز سقط جنین در شرایط حرجی منوط به اجازه هیأتی است که در رأس آن یک قاضی قرار دارد. همچنین تبصره ماده ۷۱۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «هرگاه جنینی که بقای آن برای مادر خطر جانی دارد، به منظور حفظ نفس مادر سقط شود، دیه ثابت نمی‌شود.» با این حال، در این قانون هیچ اشاره مستقیمی به بارداری ناشی از تجاوز به عنف نشده است. به همین دلیل، در مواردی که زن قربانی تجاوز است، اما جنین سالم بوده و خطری برای سلامت جسمی مادر ندارد، قانون صراحتاً مجوز سقط صادر نکرده است (۱۳).

در رویه پزشکی قانونی، در مواردی که تجاوز اثبات شده و ادامه بارداری موجب ایجاد حرج شدید روحی و روانی برای زن باشد، با تفسیر موسع از واژه «ضرورت»، برخی پزشکان و مراجع قانونی، اقدام به صدور مجوز سقط جنین کرده‌اند. این تفسیر، مستند به اصل ۱۶۷ قانون اساسی است که قاضی را در فقدان حکم صریح قانونی، موظف به رجوع به منابع معتبر فقهی کرده است و از سوی دیگر به اصل ۴۰ قانون اساسی که تصریح دارد: «هیچ‌کس نمی‌تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر قرار دهد» (در همین راستا، برخی فقهای معاصر مانند موسوی اردبیلی، سیستانی و حتی برخی اعضای شورای نگهبان، در فتوای خود (که در وب‌سایت‌های رسمی ایشان درج شده است) اعلام کرده‌اند که در صورتی که بارداری ناشی از تجاوز موجب مشقت شدید برای زن گردد، سقط جنین قبل از ولوج روح می‌تواند مجاز تلقی شود).

با توجه به این موارد، می‌توان گفت که سقط جنین در نتیجه تجاوز، در نظام حقوقی ایران فاقد چارچوب قانونی شفاف و مستقل است. به رغم وجود ظرفیت‌هایی در تفسیر موسع از «ضرورت»، رویه‌ها و مجوزها در این زمینه بیشتر به صورت استثنایی و موردی صادر می‌شود. بنابراین بسیاری از حقوقدانان و فعالان حقوق بشر بر لزوم اصلاح قانون سقط درمانی تأکید دارند تا در کنار حمایت از حیات جنین، کرامت و حقوق زن نیز به رسمیت شناخته شود، به ویژه در شرایطی که بارداری حاصل از خشونت و فقدان رضایت بوده است؛ در نهایت، روشن است که وضعیت فعلی، بیش از هر چیز نیازمند تصویب مقررات شفاف، جامع و متناسب با واقعیات اجتماعی است تا از سردرگمی قربانیان تجاوز و سوءبرداشت مراجع قانونی جلوگیری شود و توازن میان اصول فقهی، الزامات انسانی و کرامت زن برقرار گردد.

۲-۳. وضعیت حقوقی سقط جنین ناشی از تجاوز: با توجه به اینکه در نظام حقوقی ایران، نص قانونی مربوط به سقط جنین ناشی از تجاوز وجود ندارد، در موارد مزبور دادرس باید با توسل به تفسیر مقررات موجود به تعیین حکم اقدام نماید. با نگاه بر اصل ۱۶۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد.» درمی‌یابیم حتی با وجود خلأ قانونی در این زمینه، قاضی مکلف به صدور رأی است؛ در همچین شرایطی می‌توان دیدگاه جواز سقط، در شرایط حرج مادر را مطرح نمود. به این صورت که اگر وجود این طفل، مصداقی از خسارت جسمی یا روانی به مادر قلمداد شود و همچنین احراز شود با توجه به شرایط موجود، وجود این طفل منتهی به حرج مادر می شود، به نظر می‌رسد می‌توان جواز سقط را جهت دفع ضرر سنگین از مادر، صادر کرد، اما در صورتی که حرج مادر احراز نشود، امکان صدور جواز سقط جنین وجود ندارد؛ از طرفی احراز حرج مادر،

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

امری تخصصی است و قاضی محترم دادگاه، نیاز دارد در این زمینه به درک صحیح و در نتیجه آن، به یقین دست یابد. بنابراین حرج مادر از موارد ارجاع به کارشناس است و برای احرازِ آن، مادر باید به مراکز روان‌شناسی ارجاع داده شود و چند جلسه مشاوره با کارشناس خبره را بگذراند تا وضعیت روحی ـ روانی وی مشخص شود (۱۴).

کارشناس متخصص، ضمن روشن‌سازی وضعیت حرج مادر، بیان می‌دارد که آیا وضعیت روحی و روانی مادر به نحوی هست که توان ادامه بارداری و پذیرش طفلی که ناشی از تجاوز است را داشته باشد؟ و آیا مادر می‌تواند با وجود شرایطی که دارد، در آینده با این فرزند ارتباط مناسب مادر و طفلی داشته باشد؟ اگر رابطه مناسب مادر و طفلی به وجود نیاید و مادر نتواند این طفل را به عنوان فرزند طبیعی خود بپذیرد، علاوه بر ایجاد مشکلات فراوان شخصی و اجتماعی برای مادر، برای طفل نیز چالش‌های خطرناکی ایجاد می‌کند و حرج، از هر دو طرف درگیر می‌شود؛ از طرفی در شرع اسلام، برای الحاق طفل به مادر، تکلیفی معرفی نشده است و ولایت برای پدر است؛ امکان الزام مادر جهت پذیرش طفل وجود ندارد و پذیرش طفل، امری است که مادر می‌تواند از آن استنکاف کند یا آن را بپذیرد، در حالی که در رابطه با پدرِ شرعی، اینچنین نیست و ولایت قهری دارد، بنابراین امکان الزام او به پذیرش طفل وجود دارد. در موضوع مورد پژوهش، ولایت قهری برای پدر نیز متصور نیست، چراکه طفل ناشی از تجاوز، منتسب به متجاوز نخواهد بود.

به نظر می‌رسد، با توجه به ابعاد کیفریِ بحث سقط جنین ناشی از تجاوز، روند مؤثرتر این است که مرجع قانون‌گذار، صراحتاً اعلام کند که این موضوع مصداق حرج است یا خیر، تا اینکه احراز این امر به قاضی سپرده شود، زیرا هنگام مطرح‌بودن بحث مسئولیت کیفری و عدالت کیفری، بهتر است این امر مهم، موکول به تفسیر قاضی نشود تا در رویه کیفری اختلاف ایجاد نکند. اتفاقاً باید حاکمیت قانون و شفافیت قانون وجود داشته باشد، مانند جواز طلاق برای زن، در بحث اعتیاد همسر یا ازدواج با همسر دوم بدون اجازه همسر اول که مصداقی از حرج اعلام شده است. انتظار می‌رود، در حالی که در مسائل حقوقی، این‌گونه الزام‌ها توسط قانون‌گذار شناسایی و مطرح شده است، در مباحث کیفری نیز مورد توجه بیشتر قرار گیرد و به صراحت در قانون بیان شود. بنابراین بهتر است در بحث مصادیق حرج برای قربانی تجاوز، از صراحت قانونی برخوردار شویم، تا از برخورد سلیقه‌ای در این امر جلوگیری شود، چراکه برخورد سلیقه‌ای در امر کیفری به معنای زیر سؤال‌رفتن حاکمیت قانون است و عدالت کیفری است.

۳. رویکرد فقه اسلامی به مسأله سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف: در این قسمت به تفکیک، رویکرد فقهای مذاهب اسلامی در ارتباط با سقط جنین ناشی از تجاوز مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

۳-۱. رویکرد فقهای امامیه: سقط جنین ناشی از زنا به عنف، یکی از مسائل چالش‌برانگیز در فقه امامیه است که در تقاطع حقوق جنین و حقوق زن قربانی تجاوز قرار می‌گیرد. فقه امامیه عموماً با تکیه بر اصل حرمت قتل نفس و کرامت انسانی، رویکردی سخت‌گیرانه نسبت به سقط جنین اتخاذ کرده است، حتی اگر جنین حاصل تجاوز باشد. مستند اصلی این دیدگاه، آیات قرآن و روایاتی است که به حرمت مطلق قتل نفس اشاره دارند، از جمله آیه ۱۵۱ از سوره انعام «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِی حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» که به صورت عام شامل جنین نیز می‌شود (۱۵).

بسیاری از فقهای امامیه معتقدند که جنین، حتی اگر محصول زنا به عنف باشد، دارای حرمت ذاتی است و سقط آن جایز نیست، مگر در شرایط بسیار محدود، از جمله تهدید جدی جان مادر، از جمله علامه حلی در تحریر الأحکام، به صراحت بیان می‌کند که جنین، نفس محترمه است و نمی‌توان به صرف شرایط پیدایش آن، حکم به جواز سقط داد (۱۶). شهید ثانی نیز در شرح اللمعة تصریح می‌کند که اگرچه زنا به عنف، جرم بزرگی است، اما این امر مجوز نابودسازی جنینی که هنوز مرتکب هیچ جرمی نشده نیست (۱۷).

با این حال، برخی فقیهان معاصر با لحاظ تحولات اجتماعی و روانی، دیدگاه‌های متفاوت‌تری ارائه داده‌اند. به عنوان نمونه، آیتا... مکارم شیرازی در پاسخ به استفتایی تصریح می‌کند که

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

اگر استمرار بارداری موجب عسر و حرج شدید و غیر قابل تحمل برای زن قربانی تجاوز شود، با تشخیص پزشک متخصص و در مراحل اولیه بارداری، امکان صدور مجوز شرعی برای سقط وجود دارد (۱۸). این دیدگاه با تکیه بر قاعده «نفی عسر و حرج» و نیز اصل «تقدیم اهم بر مهم» توجیه می‌شود.

فقهای معتدل‌تر نیز با استناد به قاعده «الضرورات تبیح المحظورات»، در شرایطی خاص و محدود، سقط جنین را در صورت تجاوز قابل بررسی می‌دانند، به ویژه اگر حفظ جنین باعث آسیب‌های روانی و اجتماعی جبران‌ناپذیر به زن قربانی شود (۱۹). این گروه از فقها البته تأکید دارند که این جواز باید پیش از ولوج روح (یعنی پیش از چهار ماهگی) باشد، چراکه پس از آن، جنین «نفس محترمه» تلقی می‌شود و سقط آن معادل قتل انسان خواهد بود (۲۰)، در نتیجه، فقه امامیه در غالب آرای سنتی خود، سقط جنین ناشی از زنا به عنف را جایز نمی‌داند، مگر در موارد استثنایی. با این حال، تحولات اجتماعی و فشارهای ناشی از آسیب‌های روانی قربانیان تجاوز، برخی فقیهان معاصر را به بازاندیشی در این حوزه سوق داده است، هرچند همچنان اکثریت فقها بر ضرورت احتیاط و منع سقط تأکید دارند.

۳-۲. رویکرد فقهای حنفی: دیدگاه فقه حنفی در مورد سقط جنین ناشی از زنا به عنف یا تجاوز جنسی، بر مبنای اصول کلی این مذهب نسبت به حرمت سقط و حرمت نفس جنین شکل گرفته است. فقیهان حنفی، همانند دیگر مذاهب اهل سنت، به طور کلی سقط جنین را فعلی حرام می‌دانند؛ با این حال، در مواردی خاص و پیش از ولوج روح، جواز سقط را مورد بررسی قرار داده‌اند. در خصوص تجاوز جنسی، گرچه زنا به عنف فعلی مجرمانه و ظلم آشکار علیه زن است، اما بیشتر فقهای حنفی در عین هم‌دردی با زن قربانی، بر عدم جواز سقط جنینی که در نتیجه چنین عملی به وجود آمده تأکید دارند، مگر در مراحل اولیه بارداری و تحت شرایط خاص (۲۱). در فقه حنفی، ولوج روح (دمیده‌شدن روح در جنین) که در حدود ۱۲۰ روزگی اتفاق می‌افتد، نقطه تمایز اصلی در حکم حرمت سقط است. پیش از این مرحله، برخی از فقیهان حنفی مانند ابوبکر جصاص و برخی دیگر از متقدمان، سقط را مکروه یا ممنوع دانسته‌اند، اما به حد حرمت قطعی نرسانده‌اند، به ویژه در مواردی که ادامه بارداری موجب مشقت شدید باشد (۲۲).

بر اساس منابع معتبر فقه حنفی، در صورتی که بارداری حاصل از تجاوز به اثبات برسد، برخی فقیهان متأخر این مذهب مانند ابن عابدین، با استناد به اصل رفع حرج و دفع ضرر از زن، به امکان سقط پیش از ولوج روح نظر داده‌اند، هرچند این نظر در میان فقهای حنفی اجماعی نیست (۲۳). در این دیدگاه، شرایط روحی، روانی و اجتماعی زن قربانی، به عنوان عوامل مؤثر در صدور جواز تلقی می‌شوند، مشروط به آنکه سقط پیش از ۱۲۰ روزگی انجام شود و توسط متخصصان امر تأیید گردد.

با این وجود، نظر مشهور در میان حنفیان، حتی در موارد تجاوز، احتیاط در عدم سقط جنین است، زیرا جنین حتی اگر ناشی از رابطه نامشروع باشد، از نظر فقهی موجودی زنده و مستحق احترام تلقی می‌شود. فقهای حنفی بر این باورند که جرم مرتکب تجاوز نباید مجوزی برای نابودی جنینی باشد که هیچ نقشی در این فعل نداشته است (۲۴).

برخی فقیهان معاصر حنفی، با تأکید بر تغییر شرایط اجتماعی و افزایش آگاهی نسبت به آسیب‌های روانی و خانوادگی تجاوز، به بازاندیشی در این زمینه پرداخته‌اند، مثلاً شورای فقهی الازهر در سال‌های اخیر جواز مشروط سقط در موارد تجاوز را در مراحل ابتدایی حمل و بر اساس ضرورت انسانی، تأیید کرده است، مشروط به آنکه این سقط در چهار ماه نخست انجام گیرد و به تأیید مقام قضایی و پزشکی برسد (۲۵)، در نتیجه، فقه حنفی در خصوص سقط جنین ناشی از زنا به عنف، در عین تأکید بر حرمت نفس جنین، برخی راهکارهای استثنایی را در چارچوب زمان‌بندی خاص و شرایط اضطراری می‌پذیرد. این نشان از تلاش فقه حنفی برای توازن میان اصول شرعی و اقتضائات انسانی و اجتماعی دارد.

۳-۳. رویکرد فقهای مالکی: فقهای مالکی در مسأله سقط جنین، به ویژه در مواردی که جنین حاصل زنا به عنف یا تجاوز جنسی باشد، رویکردی نسبتاً سخت‌گیرانه دارند. اصل

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

اساسی در فقه مالکی، حرمت سقط جنین در هر مرحله‌ای از رشد اوست، حتی پیش از ولوج روح (در حدود ۱۲۰ روزگی). این دیدگاه برخلاف برخی مذاهب دیگر اهل سنت است که امکان تخفیف در حکم را در مراحل ابتدایی بارداری می‌پذیرند. مالکیان معتقدند که جنین، از همان لحظه انعقاد نطفه، واجد حرمت و شأن انسانی است و نباید بدون عذر بسیار قوی از میان برده شود (۲۶).

فقهای مالکی به طور کلی بر این باورند که حتی اگر زن قربانی تجاوز جنسی باشد، این امر مجوز شرعی برای سقط جنین محسوب نمی‌شود. ابن رشد اندلسی، یکی از برجسته‌ترین فقهای این مذهب، تصریح می‌کند که سقط جنین پیش از ولوج روح نیز جایز نیست، مگر برای حفظ جان مادر یا در موارد اضطراری که شارع آن را تصدیق کرده باشد (۲۷). این رویکرد ناشی از تفسیر محافظه‌کارانه از اصولی همچون حرمت قتل نفس و کرامت مخلوق الهی حتی اگر این لقاح نامشروع باشد، است. از نظر مالکیان، جنینی که از تجاوز شکل گرفته، همچنان موجودی بی‌گناه و مستقل است و گناه عامل جنایت (زانی به عنف) نباید به پای این موجود نوشته شود. بنابراین سقط جنین در این شرایط، از نظر فقه مالکی، نوعی تعدی به حق حیات محسوب می‌شود، مگر اینکه حفظ جان مادر تنها از طریق سقط ممکن باشد که در این صورت، به قاعده ارتکاب أخف الضررین (ارتکاب ضرر خفیف‌تر) توسل می‌جویند (۲۸).

با این حال، در دوره معاصر، برخی از فقهای مالکی‌مذهب با تأکید بر آسیب‌های شدید روانی، اجتماعی و اخلاقی ناشی از بارداری برآمده از تجاوز، تلاش‌هایی برای بازاندیشی در این حکم داشته‌اند. به عنوان نمونه، مجمع فقه اسلامی وابسته به سازمان همکاری اسلامی، در برخی بیانیه‌های خود، امکان صدور مجوز سقط را در بارداری‌های ناشی از تجاوز، مشروط به انجام آن در مراحل اولیه بارداری و وجود شرایط اضطراری، مطرح کرده است، هرچند این رویکرد هنوز در میان فقهای مالکی معاصر با اجماع رو به رو نشده است و رویکرد سنتی مبتنی بر منع، غلبه دارد (۲۵).

در نتیجه، فقه مالکی با تکیه بر حرمت ذاتی جان انسان، حتی در مواردی چون بارداری حاصل از تجاوز، حکم به عدم جواز سقط می‌دهد، مگر در صورتی که جان مادر در خطر باشد. این موضع، برخاسته از اصولی چون احترام به مخلوق الهی، منع از قتل نفس و تقدم اهم بر مهم است و در عین حال، ظرفیت‌های فقهی برای بازاندیشی در موارد خاص و استثنایی در شرایط جدید اجتماعی را نیز نفی نمی‌کند.

۳-۴. رویکرد فقهای حنبلی: فقهای حنبلی در مسأله سقط جنین، به ویژه در مواردی که جنین ناشی از زنا به عنف (تجاوز جنسی) باشد، موضعی محتاطانه و غالباً منع‌گرایانه اتخاذ کرده‌اند. این دیدگاه ریشه در اصول کلی فقه حنبلی درباره حرمت نفس، آغاز حیات جنینی از ابتدای تکوین و ضرورت حفظ جان حتی در شرایط غیر عادی دارد. از نظر فقهای برجسته حنبلی همچون ابن قدامه، جنین از زمان انعقاد نطفه محترم شمرده می‌شود و سقط آن در هر مرحله‌ای از رشد، حتی پیش از ولوج روح، به جز در شرایط اضطراری مانند حفظ جان مادر، ممنوع است (۲۹).

فقهای حنبلی معتقدند که هرچند زنا به عنف جنایتی بزرگ است و آسیب شدیدی به زن وارد می‌کند، اما این امر مجوزی برای قتل جنینی که در نتیجه این جنایت شکل گرفته نیست. از دید آنان، جنین موجودی بی‌گناه است و نباید به سبب گناه پدر مفروض (زانی) مجازات شود. بنابراین سقط جنین به دلیل منشأ نامشروعِ پیدایش، خلاف اصول شرعی تلقی می‌شود (۳۰).

در منابع فقهی حنبلی، گرچه تصریح مستقیمی درباره حکم سقط جنین در بارداری ناشی از تجاوز نیامده، اما بر اساس قواعد کلی مانند حرمت قتل نفس و لزوم رعایت احتیاط در دماء، می‌توان استنتاج کرد که فقهای این مذهب غالباً با چنین عملی مخالفت دارند، مگر در شرایطی که بقای جنین تهدیدی واقعی برای جان مادر باشد، حتی در این فرض، تنها پس از بررسی و تشخیص قطعی تهدید جانی، آن هم پیش از ولوج روح، امکان سقط وجود دارد، زیرا بعد از دمیدن روح، جنین مانند انسان کامل تلقی می‌شود (۳۱).

با این حال، برخی فقیهان معاصر حنبلی‌مذهب، با توجه به شرایط جدید اجتماعی، از جمله آثار روانی، حیثیتی و

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

خانوادگی ناشی از بارداری حاصل از تجاوز، راه را برای بازاندیشی فقهی در این مسأله باز کرده‌اند. به طور خاص، در کنفرانس‌های فقهی معاصر، از جمله برخی مصوبات «مجمع فقه اسلامی»، به امکان سقط در موارد تجاوز به ویژه در مناطق جنگی یا بحران‌زده، مشروط به آنکه پیش از ولوج روح باشد و با نظر پزشک متخصص و حکم قضایی همراه گردد، اشاره شده است (۲۵).

در نتیجه، فقه حنبلی در دیدگاه سنتی خود، سقط جنین حتی اگر از طریق تجاوز ایجاد شده باشد را ممنوع می‌داند و تنها در صورت تهدید جدی جان مادر، امکان سقط پیش از ولوج روح را می‌پذیرد. با این حال، فقه معاصر حنبلی با احتیاط و بر اساس قواعدی چون «الضرورات تبیح المحظورات» و «رفع الحرج»، در موارد خاص، به بازنگری محدود در این حکم تمایل نشان داده است.

۳-۵. رویکرد فقهای شافعی: فقهای شافعی در موضوع سقط جنین، به ویژه در مواردی که بارداری ناشی از زنا به عنف (تجاوز جنسی) باشد، رویکردی محتاطانه دارند. در مذهب شافعی، اصل بر حرمت سقط جنین است، حتی اگر جنین در مراحل ابتدایی رشد باشد. با این حال، میزان شدت حرمت بستگی به مرحله رشد جنین دارد، به ویژه اینکه آیا روح در جنین دمیده شده یا خیر. فقهای شافعی عموماً ولوج روح را در حدود ۱۲۰ روزگی دانسته‌اند و سقط جنین پس از این مرحله را حرام و معادل قتل نفس دانسته‌اند (۳۲).

در خصوص سقط جنین ناشی از تجاوز، دیدگاه غالب در فقه شافعی این است که منشأ نامشروع بارداری، مجوزی برای از بین‌بردن جنین محسوب نمی‌شود، زیرا جنین موجودی مستقل و بی‌گناه است و از نظر شرعی نمی‌توان او را به سبب گناه پدر یا شرایط ناگوار شکل‌گیری‌اش مجازات کرد. شافعیان با استناد به آیه ۱۶۴ سوره انعام «وَلا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى»، معتقدند که نباید گناه زناکار به جنین منتقل شود (۳۳).

با این حال، در برخی متون فقهی شافعی، به امکان سقط جنین پیش از ولوج روح در موارد اضطراری اشاره شده است. به عنوان مثال، امام نووی در روضه الطالبین اشاره می‌کند که اگر بارداری موجب ضرر شدید برای زن باشد، می‌توان پیش از دمیدن روح، سقط را بررسی کرد، اگرچه اصل بر حرمت است (۳۴). بنابراین در مواردی مانند تجاوز جنسی که موجب آسیب شدید روانی، اجتماعی یا تهدید حیثیتی می‌شود، برخی فقهای متأخر شافعی، امکان صدور جواز سقط در مراحل اولیه بارداری را بر اساس قواعدی چون «الضرر یزال» و «الضرورات تبیح المحظورات» قابل بررسی دانسته‌اند.

در دوره معاصر، برخی از نهادهای فقهی شافعی‌مذهب، مانند دارالافتاء مصر، با استناد به همین قواعد، جواز سقط جنین ناشی از تجاوز را در مراحل ابتدایی حمل (پیش از ۱۲۰ روز) و مشروط به شرایط خاص تأیید کرده‌اند. این شرایط شامل اثبات تجاوز، تشخیص پزشکی، و تأیید قضایی است. چنین دیدگاه‌هایی در چارچوب فقه تطبیقی و با لحاظ مقتضیات زمان و مکان مطرح شده‌اند (۲۵).

در مجموع، فقه شافعی در شکل سنتی خود، با سقط جنین، حتی اگر ناشی از تجاوز باشد، مخالف است و آن را تنها در صورت تهدید واقعی به جان مادر یا وجود ضرر شدید و اثبات ضرورت، پیش از ولوج روح، ممکن می‌داند. با این حال، دیدگاه‌های جدیدتر در میان فقهای شافعی معاصر، راه را برای بازنگری در موارد استثنایی، به ویژه در بارداری‌های ناشی از تجاوز، باز کرده‌اند.

۴. رویکرد نظام حقوق بشر بین‌المللی به سقط جنین ناشی از تجاوز به عنف: هرگاه در نظام حقوق بشر، صحبت ازسقط جنین مطرح می‌شود، دو موضوع مهم، محور اصلی بحث قرار می‌گیرد: اولین موضوع حق حیات؛ دومین موضوع، حق بر درمان است. حق حیات، حقی بنیادین است (۳۵)، به عبارتی غیر قابل عدول است. باقی حقوق پیش‌بینی‌شده در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، منوط بر حق حیات است. اهمیت این حق آنقدری است که حتی در شرایط اضطراری هم نمی‌توان آن را نقض کرد. ماده ۴ میثاق حقوق مدنی سیاسی به صراحت مقرر می‌دارد حتی در شرایط اضطراری، کشورها نمی‌توانند به این بهانه که بقا و حیات ملت در معرض تهدید است، حق حیات انسان‌ها را نقض کنند. ماده ۶ میثاق نیز به

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

تفصیل، به مصادیق این حق می‌پردازد؛ ۱ـ حق حیات جزء حقوق ذاتی است، کسی را نمی‌توان بدون مجوز از زندگی‌اش محروم کرد؛ ۲ـ صدور حکم اعدام، فقط در مواجهه با جدی‌ترین جنایات امکان‌پذیر است، آن هم نمی‌تواند در تعارض با کنوانسیون منع مجازات جرم کشتار دسته جمعی و میثاق، در تعارض باشد؛ ۳ـ فرض بر این است که هیچ کدام از کشورهای عضو میثاق، نمی‌توانند از الزامات و متعهدات خود منحرف شوند؛ ۴ـ هر فرد محکوم به اعدام، حق درخواست تخفیف مجازات یا عفو را خواهد داشت؛ ۵ـ حکم اعدام برای زنان باردار اجرا نمی‌شود و برای افراد زیر ۱۸ سال صادر نمی‌شود؛ ۶ـ هیچ یک از مقررات این ماده برای تأخیر یا منع الغای مجازات اعدام از طرف دولت‌های عضو میثاق حاضر قابل استناد نیست (۳۶).

حق بر درمان، با حق بر سلامت به معنی برخورداری از انواع تسهیلات، خدمات، کالا و شرایطِ مناسب و ضروری، برای تحقق عالی‌ترین استاندارد از بحث سلامتی است. حق بر سلامت در حوزه حقوق بشر نیز نقش ایفا می‌کند. دولت‌ها در این زمینه تعهداتی دارند: تعهدات در چهار حوزه: ۱ـ سلامت کودکان، مادران و سلامت باروری؛ ۲ـ محیط‌های کاری سالم؛ ۳ـ پیشگیری، کنترل و درمان بیماری‌ها؛ ۴ـ تدارک کالاها، تسهیلات و خدمات بهداشتی است. ایران به بعضی از اسناد بین‌المللی که این حق را به رسمیت شناخته‌اند، پیوسته است. اصل ۲۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حق بر درمان و مراقبت‌های پزشکی و بهره‌مندی از خدمات بهداشتی را برای همگان به رسمیت شناخته است (۳۷). در مواجهه با سقط جنین ناشی از تجاوز، حق بر درمان، جایی مطرح است که سقط جنین، درمانی باشد. مانند زمانی که در صورت عدم سقط جنین، سلامت مادر به صورت جدی به خطر می‌افتد.

مسأله سقط جنین ناشی از تجاوز جنسی یکی از مباحث حساس و چندوجهی در حوزه حقوق بشر بین‌المللی و حقوق بین‌الملل معاصر است. در چنین مواردی، تعارض میان حقوق بنیادین زنان، نظیر حق زنان بر سلامت و کنترل بر بدن خود، و رویکردهای محدودکننده برخی نظام‌های حقوقی یا مذهبی، باعث شکل‌گیری چالش‌های حقوقی و اخلاقی گسترده‌ای شده است. در این قسمت، با هدف تبیین رویکرد حقوق بین‌الملل نسبت به سقط جنین ناشی از تجاوز، به تحلیل برخی مفاد اسناد بین‌المللی می‌پردازیم.

۴-۱. حق زنان در حوزه سلامت جسمی و روانی: بر اساس ماده ۱۲ «میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی»، دولت‌ها موظف‌اند شرایطی را فراهم آورند که شهروندان به بالاترین سطح ممکن از سلامت جسمی و روحی دست یابند. تجاوز جنسی، از شدیدترین اشکال خشونت علیه زنان است که پیامدهای عمیقی بر سلامت روان و جسم قربانی دارد (۳۸)، در نتیجه، عدم ارائه امکان قانونی سقط جنین به زنان باردارشده از تجاوز می‌تواند تعهد دولت‌ها در قبال این حق را نقض کند.

۴-۲. ممنوعیت رفتارهای غیر انسانی یا تحقیرآمیز: مطابق ماده ۷ «میثاق حقوق مدنی و سیاسی»، هیچ فردی نباید در معرض شکنجه یا رفتارهای غیر انسانی و تحقیرکننده قرار گیرد. کمیته حقوق بشر سازمان ملل در تفسیر رسمی خود بیان کرده است که تحمیل بارداری ناخواسته، به ویژه در شرایط تجاوز، می‌تواند با این ماده تعارض داشته باشد (۳۹). در پرونده‌ای، کمیته مذکور تصمیم گرفت که منع دسترسی به سقط قانونی برای دختری که جنینش دچار نقص شدید بود، ناقض ماده ۷ محسوب می‌شود (۴۰). از منظر حقوقی، ماده ۷ میثاق، یک حق مطلق را برای افراد ایجاد می‌کند که هیچ استثنایی برای آن پذیرفته نیست، یعنی هیچ شرایطی نمی‌تواند مشروعیت اعمال شکنجه یا رفتارهای غیر انسانی و تحقیرکننده را ایجاد کند. این مطلق‌بودن سبب می‌شود که موضوع تحمیل بارداری ناخواسته، حتی در زمینه‌های قانونی یا اجتماعی خاص، تحت بررسی دقیق قرار گیرد. در این راستا، تصمیم کمیته حقوق بشر مبنی بر نقض ماده ۷ در این پرونده، نشان‌دهنده اهمیت تطبیق قوانین داخلی با تعهدات بین‌المللی است و ضرورت وجود دسترسی به راهکارهای قانونی برای پیشگیری از اعمالی که مصداق شکنجه یا رفتار تحقیرکننده است را برجسته می‌کند. از منظر فنی و تحلیلی، این پرونده نشان می‌دهد که حقوق بین‌الملل از طریق نهادهای نظارتی

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

خود، به بررسی واقعی آثار جسمی و روانی اقداماتی مانند منع سقط می‌پردازد و معیارهای عینی برای تشخیص رفتار غیر انسانی ارائه می‌دهد. نکته کلیدی این است که ارزیابی «رفتار تحقیرکننده یا غیر انسانی» نه‌تنها به ماهیت اقدام، بلکه به تأثیر آن بر قربانی بستگی دارد. به عبارت دیگر، حتی قانونی‌بودن یک محدودیت در سطح ملی نمی‌تواند از مسئولیت نقض ماده ۷ در سطح بین‌المللی بکاهد. از این منظر، پرونده فوق نمونه‌ای از نقش مؤثر نظارت بین‌المللی در حفاظت از حقوق بنیادین افراد و الزام دولت‌ها به ایجاد سازوکارهای قانونی و اجرایی برای پیشگیری از آسیب‌های جسمی و روانی محسوب می‌شود.

۴-۳. حق زنان بر تصمیم‌گیری مستقل درباره بدن خود: اصل احترام به حریم خصوصی در ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی ذکر شده و یکی از نمودهای بارز آن، حق تصمیم‌گیری شخصی در مسائل باروری است. سلب این اختیار از زنانی که ناخواسته و از طریق تجاوز باردار شده‌اند، مغایر با این اصل دانسته شده است (۴۱). دیوان اروپایی حقوق بشر نیز در رأی خود در پرونده دیگری تأکید کرده که منع کامل سقط جنین می‌تواند ناقض حریم خصوصی افراد باشد (۴۲). از منظر حقوقی، ماده ۱۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی حریم خصوصی را به عنوان یک حق بنیادین به رسمیت می‌شناسد و تأکید می‌کند که هیچ‌کس نباید مورد مداخله خودسرانه یا غیر قانونی در زندگی شخصی خود قرار گیرد. حق تصمیم‌گیری در امور باروری، به ویژه در موارد بارداری ناشی از تجاوز، یک جنبه مهم از این حریم خصوصی محسوب می‌شود. تصمیم دیوان اروپایی حقوق بشر در این پرونده، نشان می‌دهد که محدودیت‌های قانونی مطلق بر سقط جنین، حتی اگر با اهداف حمایت از زندگی جنین وضع شده باشند، می‌توانند با حریم خصوصی افراد تعارض پیدا کنند و دولت‌ها را موظف به ایجاد دسترسی قانونی و ایمن برای سقط در شرایط مشخص می‌کنند. از منظر فنی و تحلیلی، این پرونده نمونه‌ای از نحوه تعامل حقوق ملی و حقوق بین‌الملل در حفظ حریم خصوصی افراد است. نکته کلیدی این است که ارزیابی نقض حریم خصوصی، نه‌تنها به مقررات داخلی محدود می‌شود، بلکه به آثار واقعی اعمال قانون بر آزادی‌های فردی و سلامت روانی و جسمانی قربانیان نیز توجه دارد. به بیان دیگر، قانونی‌بودن منع سقط در سطح ملی نمی‌تواند مشروعیت آن را در برابر استانداردهای بین‌المللی حریم خصوصی تضمین کند. این تحلیل نشان می‌دهد که دولت‌ها باید چارچوب‌های قانونی متوازن و قابل اجرا ایجاد کنند که هم حقوق جنین را در نظر بگیرد و هم از حق تصمیم‌گیری زنان در شرایط حساس حمایت کند.

۴-۴. اصل برابری و منع تبعیض جنسیتی: بر پایه مفاد «کنوانسیون رفع هرگونه تبعیض علیه زنان»، همه کشورها موظف‌اند شرایطی را فراهم آورند که زنان از حقوق برابر با مردان برخوردار باشند، به ویژه در حوزه سلامت باروری باید این امر رعایت شود. ممانعت از سقط جنین در بارداری‌های ناشی از تجاوز، فشار مضاعفی بر زنان وارد می‌کند و جلوه‌ای از تبعیض ساختاری است. کمیته رفع هرگونه تبعیض علیه زنان، به طور سیستماتیک بر کشورهای عضو کنوانسیون، جهت آزادسازی سقط جنین، اعمال فشار می‌کند. این کنوانسیون، چنان حقوقی برای زنان قائل است که عملاً نمی‌توان یک زن را بیش از این وادار به تسلیم در برابر امور و نقش سنتی وی نمود، البته که با بررسی مندرجات متن این کنوانسیون، به دلیلی برای نامشروع‌شمردن سقط جنین دست نمی‌یابیم، اما تدوینِ سند مذکور، به شکلی است که استنباط مخالف از آن به راحتی میسر است (۴۳).

به طور کلی در نظام حقوق بشر بین‌المللی، هیچ سند الزام‌آور جهانی سقط جنین را به‌عنوان یک «حق مطلق» به رسمیت نشناخته است، اما همان‌طور که اشاره شد، اسناد متعددی به طور غیر مستقیم از امکان سقط جنین در موارد خاص مانند تجاوز، حمایت کرده‌اند. در حقوق بشر منطقه‌ای نیز، پیشرفت‌های قابل توجهی در این زمینه دیده می‌شود، به ویژه در نظام حقوق بشر اروپا، دادگاه اروپایی حقوق بشر در آرای مختلفی، بر ضرورت تعادل میان منافع دولت و حقوق بنیادین زن تأکید کرده است (۴۲). همچنین در آمریکای لاتین،

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

بسیاری از کشورهای عضو کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، محدودیت‌های شدید سقط را کاهش داده‌اند و برخی نظیر آرژانتین، مکزیک و کلمبیا، سقط در موارد تجاوز را قانونی دانسته‌اند. برای نمونه، آرژانتین در سال ۲۰۲۱ قانون دسترسی به سقط داوطلبانه را تصویب کرد (۴۴). دادگاه عالی مکزیک در سال ۲۰۲۱ جرم‌انگاری سقط جنین را خلاف قانون اساسی اعلام کرد (۴۵). و دادگاه قانون اساسی کلمبیا در سال ۲۰۲۲ سقط جنین را تا هفته ۲۴ بارداری قانونی دانست (۴۶). به نظر می‌رسد با توجه بر موضع مبانی اصول حقوق بشر بین‌الملل، زنانی که بارداری آن‌ها نتیجه تجاوز جنسی است، باید امکان قانونی و ایمن برای خاتمه بارداری داشته باشند. ممانعت از این حق، نه‌تنها تهدیدی برای سلامت و کرامت انسانی آنان است، بلکه می‌تواند مصداقی از تبعیض و رفتار غیر انسانی تلقی شود. از این رو ضروری است نظام‌های حقوقی داخلی هم‌سو با موازین بین‌المللی، در جهت تضمین حقوق باروری و حمایت از قربانیان تجاوز، اصلاح شوند.

۴-۵. جایگاه جنین در نظام حقوق بشر بین‌الملل: جایگاه حقوقی جنین، مسأله‌ای چالشی در نظام حقوق بشر بین‌الملل است. پرسش کلیدی این است که آیا جنین، پیش از تولد، دارنده‌ی حقوق انسانی در چهارچوب اسناد بین‌المللی محسوب می‌شود یا خیر؟ پاسخ به این پرسش، تأثیر مستقیمی بر قوانین مرتبط با سقط جنین، به ویژه در موارد خاص مانند تجاوز جنسی، دارد. در عمده اسناد حقوق بشری بین‌المللی، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م.)، میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶ م.) و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶ م.)، حقوق انسانی برای «افراد» یا «همه انسان‌ها» تعریف شده است، اما تعریفی از آغاز شخصیت حقوقی ارائه نمی‌شود. این ابهام، فضای گسترده‌ای برای تفسیر باقی گذاشته است. برخی کشورها، مانند ایرلند تا پیش از اصلاحات اخیر، از این خلأ برای حمایت گسترده از جنین استفاده کرده‌اند. با این حال، دیوان اروپایی حقوق بشر در پرونده‌ی ویو علیه فرانسه به روشنی اعلام کرد که جنین در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، شخص محسوب نمی‌شود، هرچند حمایت از او می‌تواند هدفی مشروع برای دولت‌ها باشد (۴۷). در تحلیل فنی و حقوقی این موضوع، چند نکته مهم قابل بررسی است: از منظر حقوقی، جایگاه جنین در حقوق بین‌الملل به وضوح تعریف نشده و این مسأله سبب ایجاد اختلاف نظر میان نظام‌های حقوقی مختلف شده است. بیشتر اسناد بین‌المللی حقوق بشری، از جمله اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق‌های مدنی و اقتصادی ـ اجتماعی، حقوق انسانی را به «افراد» یا «همه انسان‌ها» محدود کرده و آغاز شخصیت حقوقی را مشخص نکرده‌اند. این ابهام قانونی، هم فرصتی برای دولت‌ها فراهم کرده تا قوانین داخلی خود را با توجه به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی تدوین کنند و هم چالشی برای هم‌سویی با تعهدات بین‌المللی ایجاد می‌کند. از منظر فنی و تحلیلی، پرونده ویو (Weu) علیه فرانسه نمونه‌ای از رویکرد قضایی بین‌المللی در مواجهه با این ابهام است. دیوان اروپایی حقوق بشر تصریح کرد که جنین، در چارچوب کنوانسیون اروپایی حقوق بشر، شخص حقوقی محسوب نمی‌شود، اما حفاظت از او می‌تواند هدف مشروع دولت‌ها باشد. این تصمیم نشان می‌دهد که سیستم‌های بین‌المللی به دنبال ایجاد تعادل میان حق حیات بالقوه جنین و حقوق انسانی مادر هستند. به عبارت دیگر، حتی در نبود تعریف صریح حقوقی برای جنین، دولت‌ها نمی‌توانند حق مادر را در تصمیم‌گیری‌های حیاتی نادیده بگیرند و لازم است چارچوب قانونی متعادل و منعطفی ارائه شود که هم حقوق فردی و هم اهداف مشروع حمایتی دولت را در نظر گیرد. همچنین این موضوع نشان‌دهنده اهمیت تفکیک میان حقوق ذاتی افراد متولدشده و حقوق حمایتی برای جنین است و تأکید می‌کند که سیاست‌گذاری در زمینه سقط جنین باید مبتنی بر ارزیابی علمی، روانی و اجتماعی آثار اقدامات محدودکننده باشد تا از تعارض با تعهدات بین‌المللی جلوگیری شود. این رویکرد می‌تواند به کاهش مخاطرات قانونی و انسانی برای مادران و ارتقای شفافیت در قوانین داخلی کمک کند.

۴-۶. کنوانسیون حقوق کودک و اولویت حقوق زن در تعارض با جنین: کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹ م.) در بند

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

مقدمه خود اشاره می‌کند که «کودک، از زمان پیش از تولد، نیازمند حمایت و مراقبت است»، اما این عبارت جنبه‌ی الزام‌آور ندارد و در مواد اجرایی کنوانسیون نیز، شخصیت حقوقی کودک از زمان تولد در نظر گرفته می‌شود. بنابراین این بند بیشتر بازتاب‌دهنده توصیه‌ای اخلاقی است تا اینکه اعطای حق قانونی مستقل به جنین باشد. نظام بین‌المللی حقوق بشر، در مواقع تعارض میان حقوق زن و منافع جنین، به ویژه در مواردی مانند سقط ناشی از تجاوز، اغلب جانب زن را می‌گیرد. نهادهایی مانند کمیته حقوق بشر به صراحت اعلام کرده‌اند که ادامه بارداری ناخواسته می‌تواند ناقض حق زن بر سلامت، حریم خصوصی و کرامت باشد و جنین پیش از تولد، دارای حق کامل مستقل نیست (۴۸). به طور کلی می‌توان گفت که نظام حقوق بشر بین‌الملل جنین را به عنوان دارنده حق مستقل به رسمیت نمی‌شناسد، گرچه برخی اسناد بین‌المللی به حمایت از جنین اشاره کرده‌اند، اما این حمایت بیشتر در قالب «منافع مشروع» تفسیر شده و نه به عنوان حقوق برابر با انسان متولدشده. به همین دلیل، در سیاست‌گذاری‌های مرتبط با سقط جنین، اولویت با حقوق و نیازهای زن، به ویژه در شرایط استثنایی مانند بارداری ناشی از تجاوز، قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری

امکان‌سنجی جرم‌انگاری سقط جنین در موارد بارداری ناشی از تجاوز به عنف، موضوعی است که در تقاطع سه حوزه مهم فقه اسلامی، حقوق کیفری داخلی و حقوق بشر بین‌الملل قرار دارد و تحلیل آن نیازمند درک دقیق و همه‌جانبه از هر یک از این چارچوب‌ها است. در نظام حقوقی ایران که به شدت متأثر از فقه امامیه است، نگاه به سقط جنین عمدتاً مبتنی بر اصل حرمت حیات و قاعده نفخ روح است که پس از گذشت مدت مشخصی از دوران جنینی، سقط را ممنوع و حتی جرم‌انگاری می‌کند. این مبنا، در کنار قواعد عمومی مربوط به حفظ حیات، ایجاد چارچوبی سخت‌گیرانه برای مجازات هرگونه سقط جنین عمدی فراهم آورده است. با این حال، موارد خاص بارداری ناشی از تجاوز به عنف که جنبه‌های انسانی، روانی و اجتماعی منحصر به فردی دارند، می‌توانند چالشی جدی برای اجرای این قواعد سخت‌گیرانه به حساب آیند.

از منظر فقهی، اصول و قواعدی مانند حفظ جان انسان و احکام اضطرار می‌توانند در موارد خاصی زمینه‌ساز صدور مجوز سقط جنین شوند، ولی این استثناءها به طور مشخص در فقه امامیه با دقت و سخت‌گیری خاصی تعریف شده‌اند و اغلب به مواردی محدود می‌شوند که جان مادر در خطر باشد. در مواردی که بارداری ناشی از تجاوز به عنف است، گرچه آسیب‌های جسمی و روانی زن قابل توجه است، ولی مبانی فقهی موجود کمتر به این نوع شرایط توجه کرده‌اند و جایگاه روشنی برای مجوز سقط در این شرایط تعیین نکرده‌اند. این موضوع بیانگر وجود خلأ یا ابهام در فقه و قانون است که باعث شده برخورد حقوقی با این مسأله در عمل دشوار و پیچیده باشد.

از سوی دیگر، حقوق بشر بین‌المللی، با رویکردی مبتنی بر کرامت انسانی، حق حاکمیت بر بدن و سلامت روانی و جسمی افراد، توجه ویژه‌ای به حقوق زنان به ویژه در شرایط قربانی تجاوز به عنف نشان داده است. در این چارچوب، مجوز سقط جنین در موارد بارداری ناشی از تجاوز به عنف به عنوان حق بنیادین زنان برای حفاظت از خود و جلوگیری از آسیب‌های جبران‌ناپذیر مطرح شده است. این رویکرد بین‌المللی ضمن تأکید بر ضرورت حمایت از قربانیان، لزوم بازنگری در قوانین داخلی را نیز برجسته می‌کند تا قوانین با این استانداردها همخوانی یابد. در مقابل، مواجهه با نظام‌های حقوقی مبتنی بر فقه اسلامی که تأکید ویژه‌ای بر حرمت جان جنین دارند، بیانگر وجود یک تعارض یا دست کم پیچیدگی‌هایی در تلفیق این دو دیدگاه است.

در نهایت، بررسی امکان جرم‌انگاری سقط جنین در موارد بارداری ناشی از تجاوز به عنف در ایران نشان می‌دهد که نظام حقوقی کشور، به دلیل اتکای قوی به مبانی فقهی، ظرفیت محدودی برای پذیرش استثنائات در این حوزه دارد. با این حال، توجه به ابعاد انسانی و روانی قربانیان تجاوز، ضرورت

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

ایجاد فضای قانونی و فقهی برای حمایت بهتر از آنان را ایجاب می‌کند. این موضوع نه‌تنها مستلزم بازنگری و تبیین دقیق‌تر قواعد فقهی در راستای شرایط معاصر است، بلکه نیازمند تدوین سیاست‌های حقوقی منسجم و متوازن است که هم کرامت و حقوق زنان قربانی را پاس دارد و هم حرمت و حق حیات جنین را رعایت کند.

بنابراین، امکان‌سنجی جرم‌انگاری سقط جنین در موارد بارداری ناشی از تجاوز به عنف، صرفاً یک مسأله حقوقی یا فقهی محدود نیست، بلکه یک چالش چندبعدی است که به تعامل میان فقه، حقوق کیفری و حقوق بشر نیاز دارد. راهکارهای عملی در این زمینه می‌بایست مبتنی بر گفتگوهای علمی، فقهی و اجتماعی باشد که بتواند تعادل مناسبی میان حقوق زنان قربانی، سلامت جسمی و روانی آنان و قواعد محافظت از جنین برقرار کند. بدون شک، ارتقای این تعامل و هم‌افزایی میان نظام‌های مختلف حقوقی، می‌تواند گامی مؤثر در جهت تأمین عدالت و حمایت از حقوق اساسی انسان‌ها در برابر خشونت‌های جنسی و تبعات آن باشد.

از منظر سیاست‌گذاری حقوقی و اجتماعی، پیشنهادات زیر می‌توانند به ایجاد چارچوبی متوازن و انسانی در مواجهه با سقط جنین در موارد بارداری ناشی از تجاوز به عنف کمک کنند:

ـ تدوین دستورالعمل‌های روشن قانونی و فقهی: تدوین دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌هایی که موارد استثنایی سقط جنین را مشخص کنند، می‌تواند به کاهش ابهام در تصمیم‌گیری قضایی و پزشکی کمک کند. این دستورالعمل‌ها باید با مشورت کارشناسان فقهی، حقوقی و پزشکی طراحی شوند و معیارهای روشن برای تعیین موارد مجاز ارائه دهند.

ـ ایجاد سازوکارهای حمایتی و روان‌پزشکی: قربانیان تجاوز به عنف باید دسترسی به خدمات مشاوره روان‌شناختی و پزشکی داشته باشند تا آثار روانی و جسمی ناشی از بارداری ناخواسته کاهش یابد. سیاست‌گذاری در این حوزه باید شامل حمایت‌های روانی، اجتماعی و حقوقی باشد.

ـ آموزش و توانمندسازی کارشناسان قضایی و پزشکی: آموزش قضات، پزشکان و کارشناسان حقوقی در زمینه حقوق بشر، فقه تطبیقی و حقوق زنان می‌تواند به تصمیم‌گیری‌های متوازن و مبتنی بر حقوق انسانی کمک کند.

ـ بازنگری و هماهنگی قوانین داخلی با تعهدات بین‌المللی: ایجاد سیاست‌هایی برای تطبیق قوانین کیفری و مدنی با استانداردهای بین‌المللی حقوق بشر می‌تواند از تضاد میان حقوق مادر و جنین جلوگیری کند و اطمینان حاصل شود که قوانین داخلی در عین رعایت فقه، به کرامت انسانی قربانیان احترام می‌گذارند.

ـ تشویق گفتگوی میان‌رشته‌ای و اجتماعی: سیاست‌گذاری باید مبتنی بر گفتگو میان فقهیان، حقوقدانان، پزشکان و فعالان مدنی باشد تا راهکارهای متعادل و واقع‌بینانه‌ای ارائه شود که هم نیازهای اجتماعی را در نظر بگیرد و هم حقوق فردی قربانیان را تضمین کند.

تدوین سیاست‌های پیشگیری و آگاهی‌بخشی: علاوه بر چارچوب‌های قانونی، سیاست‌گذاری باید شامل برنامه‌های آموزشی و آگاهی‌بخشی به جامعه درباره حقوق زنان و پیامدهای قانونی و انسانی سقط جنین باشد تا سطح اطلاعات عمومی ارتقا یافته و از آسیب‌های اجتماعی پیشگیری شود.

مشارکت نویسندگان

عباسعلی ترحمیان: گردآوری داده‌ها و منابع.
مریم آقایی بجستانی: ارائه ایده و نظارت بر نگارش مقاله.
محمد روحانی مقدم: نظارت بر صحت مطالب و منابع.
نویسندگان نسخه نهایی را مطالعه و تأیید نموده و مسئولیت پاسخگویی در قبال پژوهش را پذیرفته‌اند.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع احتمالی را در رابطه با تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله اعلام نکرده‌اند.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

تأمین مالی

نویسندگان اظهار می‌نمایند که هیچ‌گونه حمایت مالی برای تحقیق، تألیف و انتشار این مقاله دریافت نکرده‌اند.

بیانیه هوش مصنوعی

از هوش مصنوعی استفاده نشده است.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد

References

1. Jafari M. Jurisprudence of Abortion. 1sd ed. Tehran: Ma'arif Publishing; 2013. [Persian]

2. United Nations. Report of the Special Rapporteur on violence against women, its causes and consequences. Geneva: UN Human Rights Council; 2018.

3. Cook RJ, Dickens BM, Fathalla MF. Reproductive Health and Human Rights. 1sd ed. Oxford: Oxford University Press; 2003.

4. Mohsenzadeh A. Legal challenges of abortion in cases of rape: A comparative study. Human Rights Quarterly. 2016; 7(2): 25-50.

5. Eby K, Campbell JC, Sullivan CM, Davidson WS. Health effects of experiences of sexual violence for women with abusive partners. Health Care for Women International. 1995; 16(6): 563-576.

6. KilpatrickDean G, VeronenLois J, Resick PA. The aftermath of rape: Recent empirical findings. American Journal of Orthopsychiatry. 1979; 49(4): 658-669.

7. Vasegh Rahimpoor S, Motaghi B, Daneshpoor H, Jafari A. The status of post-traumatic stress disorder study among women complaining of sexual assault visiting forensic medicine centers in Tehran in the year 1392. Iranian Forensic Medicine. 2015; 77: 47-54. [Persian]

8. Tabrizi M. Sirat al-Najah. 1sd ed. Qom: Salman Farsi Publications; 1934. [Arabic]

9. Bagheri A. Abortion: Global Positions and Practices, Religious and Legal Perspectives. London: Springer; 2021. p.30. [Persian]

10. Zighami S, Isaghai E, Hosseini S. The criminalization of abortion resulting from rape in Iranian law and its comparative analysis with the laws of several other countries. Scientific Journal of Civil Law. 2024; 1(1): 1-17. [Persian]

11. Abbasi Kalimani A. Abortion resulting from rape. Scientific-Promotional Jurisprudence and Family Law (Sadiq Call). 2018; 68: 31-46. [Persian]

12. Nayebzadeh A. Jurisprudential Investigation of Abortion in Iran's Legal System and its Legal Loopholes. The Scientific Journal Jurisprudence and Bases of Islamic Law. 2023; 2(16): 163-178. [Persian]

13. Taghipour A, Motaghi FA. Study of the Jurisprudential and Legal Aspects of the Single Article on Therapeutic Abortion. Journal of Humanities. 2014; (36): 1-14. [Persian]

14. Ardebili M. General Criminal Law. 1sd ed. Tehran: Mizan Publications; 2010. [Persian]

15. Tabatabai M. The beginning of wisdom. Qom: Islamic Publishing Institution; 2015. Chap.15 p.235. [Arabic]

16. Allameh Helli H. Al-Tahrir al-Ahkam al-Shar'iyah according to the Imamiyah school. 1sd ed. Qom: Islamic Publishing Institute; 1989. Vol.1 p.236. [Arabic]

17. Shahid Sani Z. Al-Rawdah Al-Bahiyyah in Explanation of the Damascene Luminance. 1sd ed. Qom: Islamic Publishing Institute; 1992. Vol.2 p.352. [Arabic]

18. Makarem Shirazi N. New Fatwas. 1sd ed. Qom: Dar al-Alam; 2008. Vol.2 p.247. [Persian]

19. Imami M. Juridical analysis of abortion resulting from rape. Journal of Islamic Law and Jurisprudence Studies. 2011; 3(2): 187-203. [Persian]

20. Mohammadi-Nia M. Comparative Jurisprudence on Abortion. 1sd ed. Tehran: Samt Publications; 2019. p.228. [Persian]

21. Al-Kasani A. Badaye' al-Sanaye' fi Tartib al-Sharai'. 1sd ed. Egypt: Al-Jamaleya Press; 1906. Vol.7 p.324. [Arabic]

22. Jasas A. The Rules of the Quran. 1sd ed. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiyyah; 1984. Vol.3 p.109. [Arabic]

23. Ibn Abidin M. Red al-Muhtar on al-Durr al-Mukhtar. 1sd ed. Beirut: Dar al-Fikr; 1994. Vol.6 p.370. [Arabic]

24. Al-Sarakhsi M. Al-Mabsut. 1sd ed. Egypt: Al-Saadah Press; 1906. Vol.26. p. 51. [Arabic]

25. Al-Zuhaili, W. Islamic Jurisprudence and Its Evidence. 1sd ed. Damascus: Dar Al-Fikr; 2007. p.224, 228-229, 231. [Arabic]

26. Al-Qurtubi M. Al-Jami' li Ahkam al-Quran. 1sd ed. Cairo: Dar al-Kutub al-Masriyyah; 1967. Vol.12 p.123. [Arabic]

27. Ibn Rushd M. Beginning of the Scholar and the End of the Modest. 1sd ed. Beirut: Dar Ibn Hazm; 2003. Vol.2 p.54. [Arabic]

28. Al-Tartushi M. Siraj al-Muluk. 1sd ed. Beirut: Dar Ibn Kathir; 2006. p.238. [Arabic]

29. Ibn Qudamah A. Al-Mughni. 1sd ed. Beirut: Dar al-Fikr; 1991. Vol.9 p.50. [Arabic]

30. Al-Mardawi A. Al-Insaf in Knowing the Preferable Among the Disputes. 1sd ed. Beirut: Dar Iḥyā' al-Turāth al-ʿArabī; 1997. Vol.7 p.230. [Arabic]

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد.

31. Ibn Muflih M. Al-Furu' (The Branches). 1sd ed. Beirut: Al-Risalah Foundation; 1983. Vol.1 p.374. [Arabic]

32. Al-Ramli SH. The End of the Needy for Explaining the Curriculum. 1sd ed. Beirut: Dar Al-Fikr; 1984. Vol.2 p.387. [Arabic]

33. Al-Mawardi A. Al-Hawi Al-Kabir. 1sd ed. Egypt: Al-Matba'a Al-Kubra Al-Amiriyah; 1928. Vol.1 p.239. [Arabic]

34. Al-Nawawi Y. Rawdat al-Talibin. 1sd ed. Beirut: Dar al-Fikr; 1984. Vol.7 p.276. [Arabic]

35. Babayi Khuruzoghi N, Zamani Q. The Right to Life in the Light of the Meaning of Life: Possibility or Refusal. Public Law Studies, University of Tehran, 2021; 51(3): 885-906. [Persian]

36. Qari Seyyed Fatemi M. Right to Life. Quarterly Journal of Legal Studies. 1379; 3(31-32): 149-166. [Persian]

37. Shajiaan KH. The Right to Health: A Comparative Analysis of International Human Rights Documents and the Legal System of Iran. 1sd ed. Tehran: Shahid Beheshti University; 2009. p.115. [Persian]

38. Cook RJ, Dickens BM. Human rights dynamics of abortion law reform. Hum Rights Q. 2003; 25(1): 1-59.

39. United Nations Human Rights Committee. General Comment No.28: Equality of rights between men and women (Article 3). UN Doc. CCPR/C/21/Rev.1/ Add.10; 2000.

40. United Nations Human Rights Committee. K.L. v. Peru, Communication No.1153/2003. UN Doc. CCPR/C/85/D/1153/2003; 2005.

41. Erdman JN. The procedural turn: Abortion at the European Court of Human Rights. Reprod Health Matters. 2017; 25(50): 30-48.

42. European Court of Human Rights. A, B and C v. Ireland, Application no. 25579/05. Judgment of 16 December 2010.

43. Mehrgan AH. Abortion and human rights in the outlook of international laws. Journal of Reproduction & Infertility. 2005; 6(4): 410-440.

44. Congreso de la Nación Argentina. Ley 27.610: Acceso a la Interrupción Voluntaria del Embarazo. Boletín Oficial de la República Argentina; 2021.

45. Suprema Corte de Justicia de la Nación (México). Acción de inconstitucionalidad 148/2017. Sentencia del 7 de septiembre de 2021.

46. Corte Constitucional de Colombia. Sentencia C-055/22. 2022.

47. European Court of Human Rights. Vo v. France, Application no. 53924/00. Judgment of 8 July 2004.

48. United Nations Committee on the Elimination of Discrimination against Women (CEDAW). General Recommendation No.35 on gender-based violence against women. UN Doc. CEDAW/C/GC/35; 2017.

تمامی حقوق انتشار این اثر، متعلق به پژوهشکده اخلاق زیستی و حقوق سلامت پارس می‌باشد